

کارکردهای اقتصادی دولت‌های اسلامی در بستر تاریخ

دریافت: ۹۴/۵/۲ تأیید: ۹۴/۹/۲۸ سعید فراهانی فرد* و وحید بیگدلی**

چکیده

در بررسی مفهوم دولت اسلامی؛ چه در نظر و چه در عمل، نمونه‌هایی را می‌توان یافت. دولت‌های اسلامی که منظور، دولت‌های مبتنی بر مذهب شیعی و یا منتسب به شیعی می‌باشند در بستر تاریخ، کارکردها و اهدافی داشته‌اند که منجر به تمییز حکومت‌ها از یکدیگر گردیده است. از طرف دیگر، عملکرد دولت‌های اسلامی نیز گرفتار آفت رفتار حاکمان بوده است؛ آفتی که منجر به استقرار ناپایدار آنها در جغرافیای جهان اسلام گردیده است که خود این امر، منجر به نبود نظام تدبیر شایسته و به عبارت دیگر، دیوان‌سالاری ناکارآمد گردیده است. تأمین امنیت و پس از آن دادگری، دو هدفی است که دولت‌ها بیش از دیگر اهداف به آنها توجه داشته‌اند. از طرف دیگر و در حوزه علم نیز شاهد تلاش فقهای شیعه از دوران تشریح تا زمان کنونی می‌باشیم که خود گویای تفاوت نظری بین دولت اسلامی متصور با دولت‌های موجود از منظر کارکرد، مبانی و ساختار می‌باشد. جملگی موارد فوق را می‌توان در تلاش اندیشمندان شیعی در تشکیل حکومت؛ چه در مقام نظر و چه در مقام عمل پیدا کرد.

واژگان کلیدی

دولت اسلامی، کارکردهای دولت اسلامی، اقتصاد اسلامی

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه قم: saeed.farahanifard@gmail.com

** دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی: vahidbigdely@gmail.com

مقدمه

نهضت و قیام مردمی در سال ۱۳۴۲ بر ضد رژیم پهلوی به رهبری روحانیت و در رأس آن امام خمینی ۱ و ایثار و گذشت اقشار مختلف مردم که منجر به پیروزی آن در بهمن سال ۱۳۵۷ گردید را می‌توان حرکتی دینی و برای دفاع از حریم مقدس اسلام دانست که این اندیشه را در باور جهانیان تقویت نمود که با رهبری‌های فقیه جامع الشرائط می‌توان به اداره دین و دنیای مردم پرداخت. امام خمینی که در آن زمان عملاً در جایگاه رهبر انقلاب قرار گرفته بودند، تعیین نوع حکومت را به مردم سپردند و «جمهوری اسلامی» را به عنوان پیشنهاد خود مطرح ساختند و در همه‌پرسی فروردین ۱۳۵۸ اکثریت قاطع به آن «آری» گفتند و این گامی در جهت استقرار نظام اسلامی در سال‌های آتی و در پی آن استقرار دولت اسلامی بود.

اما این اولین و تنها گام در جهت استقرار دولت اسلامی نبوده است و با کاوش در بستر تاریخ، می‌توان به این ادعا پاسخ داد. به عبارتی، سؤال از دولت اسلامی، در ظاهر امر، مربوط به دوران معاصر می‌باشد، اما آیا در کنکاش تاریخی می‌توان دولت‌هایی را با نام دولت اسلامی شناسایی نمود؟ ضرورت پاسخ به این سؤال آنجا اهمیت می‌یابد که با پذیرش تأثیرگذاری مبانی بر کارکردها و اهداف دولت و به عبارتی، تأثیرپذیری دولت‌ها از مکاتب فکری و اساساً هنجاری بودن کارکردهای دولت و تلاش برای تبیین کارکردهای دولت اسلامی، یکی از روش‌های پاسخ، واکاوی دولت اسلامی در برهه‌ای از تاریخ که این دولت‌ها فارغ از مکاتب غربی محقق شده‌اند، می‌باشد؛ کارکردهایی که چه بسا منبعث از تفکرات اسلامی بوده است. حال برای پاسخ به سؤال فوق می‌توان به دو شیوه عمل نمود: شیوه نظری و شیوه عملی. شیوه نظری به بررسی نظریاتی که در عرصه دولت پرداخته و از سوی فقهای شیعه مطرح شده است، می‌پردازد و شیوه عملی به بررسی دولت‌های محقق‌شده در بستر تاریخ مبادرت می‌نماید. اما در این تحقیق، منظور از اسلامی بودن دولت را باید در شیعه دوازده‌امامی بودن دانست. این تلقی از اسلام در حوزه نظر به دلیل کثرت نظریه‌پردازان، با مشکل چندانی مواجه نمی‌شود، اما

در عمل، شاهد این مهم بوده‌ایم که تنها چند دولت را، آن هم با شک و شبهه می‌توان دولت اسلامی به مفهوم پیش‌گفته دانست. لذا در حوزه عمل و با اغماض، دولت‌هایی را که منتسب به شیعه نیز می‌باشند مورد بررسی قرار داده و دولت اسلامی می‌نامیم. لازم به ذکر است که بررسی‌های خود را در حوزه عمل به دوران غیبت، منحصر نموده‌ایم تا در کنار بررسی‌هایی که در حوزه نظری انجام می‌دهیم، این فرضیه را که شیعه به دنبال حکومت نمی‌باشد، به طور ضمنی رد نماییم. در عین حال که این حوزه مورد غفلت پژوهش‌ها و تحقیقات نیز بوده است، اما منظور از دولت چیست؟

دولت در اصطلاح، دارای سه معنا می‌باشد:

۱. دولت معادل واژه «state» می‌باشد و عبارت است از اجتماع انسان‌هایی که در سرزمین معینی سکونت اختیار کرده، حکومت سازمان‌یافته‌ای دارند که بر آنها اعمال حاکمیت می‌کند. با توجه به این تعریف، دولت دربردارنده چهار عنصر جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت است.

۲. دولت به معنای حکومت و به مفهوم هیأت حاکمه و فرمانروایان در برابر حکومت‌شوندگان است. در این تعریف، دولت به سازمان حکومت و نهادهایی اطلاق می‌شود که بر مردم حکومت می‌کنند. این تعریف نسبت به تعریف نخست، اخص می‌باشد.

۳. دولت به معنای قوه مجریه «GOVERNMENT» کشور و هیأت دولت که وظیفه‌اش اجرای قانون است (نوروزی، ۱۳۷۸، ص ۸۲).

در این تحقیق، منظور از دولت به معنای اول گرفته شده است که شامل معنای دوم نیز می‌باشد؛ هرچند در برخی موارد مراد، معنای دوم است. از جمله این ادعا که تا کنون دولت اسلامی مستقر نشده است که چرایی آن گذشت. در عین حال که در متن، از لفظ حکومت استفاده شده است که به معنای مختار از دولت می‌باشد.

ادبیات موضوع

در رابطه با بررسی کارکردها و اهداف اقتصادی دولت‌های شیعی، تا کنون تحقیقی مستقل که دولت‌ها را در کنار یکدیگر لحاظ نماید انجام نشده است. اما تحقیقات

چندی در رابطه با عقاید و انتساب به فرق اسلامی در رابطه با دولت‌ها انجام شده است. به عنوان مثال صادقی کاشانی به بررسی عقاید بیست دولت شیعی پرداخته است^۲ و یا صفری فروشانی و احمدی کجایی به بررسی چرایی عدم ظهور حضرت حجت با وجود پیدایش دولت‌ها و ملت‌های به ظاهر متناسب با شرایط ظهور پرداخته‌اند.^۳ جهان بزرگی با رویکردی متفاوت به بررسی رفتار فقهای شیعه پیرامون دولت و حکومت پرداخته است.^۴ تحقیقات فوق که به بررسی دولت‌ها و گاه موضع روحانیون شیعی در مواجهه با حکومت‌ها وارد شده است بیشتر مباحث عقیدتی را ملاک بررسی‌های خود قرار داده‌اند. اما در رابطه با بررسی‌هایی که به صورت موردی از دولت‌ها انجام شده است تحقیقاتی چند در مورد هر دولت انجام شده است که در متن بدان‌ها استناد شده است. نسبت به اهتمام این مطالعات در حوزه اقتصاد، می‌توان گفت که در اقتصادی‌ترین حالت به بیان روابط مالی دولت‌ها پرداخته‌اند. به عنوان مثال ذیلابی، به «بررسی منابع تاریخ تشکیلات اداری و مالی در دولت فاطمیان» پرداخته^۵ و یا در تحقیقی مشابه خواجه میرزا به بررسی «منابع مالی دولت فاطمیان» می‌پردازد.^۶ نویدی نیز به بررسی «تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی» پرداخته است.^۷ لذا همانگونه که بر می‌آید، سؤال پژوهش و تا حدودی حوزه پژوهش، مورد غفلت پژوهش‌ها بوده است. از بعد دیگر و در حوزه نظری در زمینه «دولت اسلامی» شاهد تحقق اولین مصادیق دولت‌های فوق در زمان معصومین بوده‌ایم، اما این امر، منحصر به زمان معصومین نبوده است، بلکه در زمان غیبت صغری نیز تلاش‌های نظری جهت تحقق آن نمود داشته که در برهه‌هایی به ثمره عملی نیز رسیده است. اما تلاش‌های نظری در این حوزه، گویای نوع تفکر اندیشمندان آن دوره بوده که به این مهم پرداخته و نظریه‌پردازی نموده و برای تحقق آن تجویزاتی داشته‌اند. لذا بررسی نظریه‌پردازی اندیشمندان سلف، گویای مسبق به سابقه‌بودن تلاش برای تشکیل دولت اسلامی، حتی در زمان غیبت صغری می‌باشد؛ اندیشمندانی که علاوه بر تفقه در مسائل اجتماعی و مباحث مربوط به دولت، فقیه نیز می‌باشند.

تلاش نظری

در بحث امکان تحقق نظری دولت اسلامی و به تعبیری اتحاد و همبستگی دین و دولت، اندیشمندان بسیاری صحبت به میان آورده‌اند که اولین آنها می‌توان به «فارابی» اشاره کرد. وی که از بزرگترین فیلسوفان ایرانی در سده سوم و چهارم هجری است در «السیاسة المدنیة» در صدد ارائه الگویی برای مدینه فاضله مبتنی بر وحی برآمده است که به تشریح نظام اجتماعی حکومت ایده‌آل خود می‌پردازد (فارابی، ۲۰۰۶م، ص ۶۱-۵۷؛ مهاجرنیا، ۱۳۸۰، ص ۳۵۵-۳۵۴)؛ حکومتی که در سایه آن به سعادت می‌توان رسید (گالستون، ۱۳۸۶، ص ۳۳۱). فیلسوف دیگر «ابن سینا» است که در قرن چهارم و پنجم می‌زیست. از نظر وی تنظیم روابط اجتماعی در گستره اقتصاد، سیاست، حقوق و فرهنگ از جانب خداوند به دلیل ناتوانی معرفتی بشر، مهمل گذارده نشده است. به همین دلیل بر عهده دین است و عدم ارائه تئوری نظم اجتماعی و سیاست جامعه از سوی آفریدگار جهان، با نظام احسن خلقت ناسازگار است (ابن سینا، ۱۴۲۸ق، ص ۴۵۵-۴۵۱). «غزالی» دیگر متفکر اندیشه دینی نیز به تبیین حکومت مبتنی بر وحی همت گمارده است. وی در اندیشه خود سیاست و شریعت را غیر قابل تمییز دانسته و چرایی این عدم تفکیک را در این مهم می‌داند که سیاست، بخشی از احکام شرعی می‌باشد (عطارزاده، ۱۳۸۸، ش ۲، ص ۵۷؛ زاهدی، ۱۳۹۰، ص ۹۹). «خواجه نصیرالدین طوسی» نیز همچون فارابی و ابن سینا از دو جهت سیاست را مربوط به دین می‌داند. یکی از آن جهت که قانون سیاست و الگوی نظام اجتماعی را دین ارائه می‌دهد و دیگر از جهت آنکه جامعه و حکومت به وسیله فردی اداره می‌شود که به تأیید الهی از دیگران ممتاز است و امام نامیده می‌شود (سروش محلاتی، ۱۳۷۸، ص ۵۴). وی سیاست را راهبردی می‌داند که بر اساس آن فرد حاکم وظیفه تنظیم شؤون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را بر عهده دارد تا به واسطه آن جامعه به وضع نامطلوب گرایش نیابد یا از وضع نامطلوب به وضع مطلوب هدایت شود (شریعت و نادری باب اناری، ۱۳۹۰، ش ۱(۲۵)، ص ۹۷)، اما «صدرالمآلهین» با نگاه فلسفی خود به خلقت و سیر انسان در این مسیر، قانون و حکومت را از نیازهای اساسی در جامعه بشری قلمداد می‌کند و

نشان می‌دهد که سیاست نمی‌تواند تنها به معیشت مادی انسان‌ها بیندیشد و باید حیات معنوی آنها را نیز در بر گیرد. وی شریعت را از سیاست جدا نمی‌داند و در واقع سیاست را مهمترین اصل برای رسیدن به قرب الهی و عدالت اجتماعی قلمداد می‌نماید (جعفری‌نژاد و برجیسیان، ۱۳۸۸، ش ۴، ص ۷۴) و بدون آن حرکت در مسیر کمال امکان ندارد. از این رو، فرستنده شریعت باید قوانین اجتماعی مورد نیاز جامعه را در خود جای دهد. بر این مبنا شریعت یک نیاز اجتماعی در مسیر حرکت تکاملی انسان است (سروش محلاتی، ۱۳۷۸، ص ۵۵). لذا می‌توان تأمل فلاسفه و حکمای اسلامی را در رابطه با عملکرد و اهداف و وظایف دولت اسلامی مسبوق به گذشته دانست، اما فقهاء نیز در این زمینه و حتی به قدمتی بیشتر و فرآیندی مستمرتر به مقوله دولت به معنای عام و دولت اسلامی به طور خاص توجه داشته‌اند. جدول زیر بیانگر دانشمندان و فقیهانی است که در تطور اندیشه حکومت دینی - شیعی در حوزه اقتصاد نقش داشته‌اند که با تأمل در آن، به امکان تحقق دولت اسلامی و متفاوت بودن آن بهتر می‌توان پی برد. دانشمندان و فقیهانی که در تطور اندیشه حکومت دینی - شیعی و در حوزه اقتصاد نقش داشته‌اند.^۸

علاوه بر نظریه‌پردازی و تلاش‌های نظری در زمینه تحقق دولت اسلامی که در بالا به آن اشاره شد، تلاش‌هایی نیز در حوزه عمل قابل شناسایی است. لذا در ادامه به این تلاش‌ها و از منظر اقتصادی پرداخته می‌شود.

پیشینه عملی

در تاریخ شیعه، در زمان «آل بویه» اولین سلطان شیعی دوازده امامی به قدرت می‌رسد. این قدرت به نحوی بود که برای اولین بار در سال ۳۵۲ قمری به دستور «معزالدوله» روز عاشورا و عید غدیر، مغازه‌های شهر تعطیل و مجالس عزاء و جشن برقرار شد که گویای قدرت و شروع استقرار دولت‌های اسلامی می‌باشد (برزگر، ۱۳۸۳، ص ۲۱۲؛ لمبتون، ۱۳۸۵، ص ۵۴۴)، اما این اولین تلاش شیعیان نبود، بلکه اقدام برای تشکیل حکومت به زمان ائمه معصومین : می‌رسد.

پیدایش دولت اسلامی با مبدأ تاریخ مسلمانان و هجرت به مدینه و ایجاد اولین مسجد اسلامی، همزمان بوده است و پس از آن نیز مفهوم دولت و نه دولت اسلامی، با روی کار آمدن خلفای راشدین و واگذاری حکومت به «امویان» و «عباسیان» در جوامع اسلامی ادامه یافت و پیشرفته‌تر شد. یکی از نشانه‌ها و اماره‌های پیشرفته‌تر شدن جوامع و دولت‌های اسلامی را می‌توان در حجم و گستره دیوان‌های این حکومت‌ها پیدا کرد؛ به نحوی که بنا به گفته «ابن خلدون»، اولین دیوان‌ها از زمان «عمر»، خلیفه دوم آغاز شد (برزگر، ۱۳۸۳، ص ۲۳۸) و به دو «دیوان سپاه» و «دیوان خراج» برای اخذ جزیه و زکات محدود شد. در دوره «امویان» با توجه به گسترده‌گی سرزمین‌های اسلامی، دیوان‌های متعددی شکل گرفت که از جمله می‌توان به «دیوان رسائل» (دبیرخانه)، «دیوان مستغلات»، «دیوان نفقات»، «دیوان صدقات»، «دیوان طراز»، «دیوان برید» و «دیوان خاتم» اشاره کرد. اما در دوره «عباسیان» این دیوان‌ها ضمن حفظ، دوباره سازماندهی شده و دیوان جدیدی به نام «برید» و «خبر» که متحول شده بود، به وجود می‌آید. این اقدام برای اطلاع از وضعیت سرزمین‌های رو به گسترش اسلامی بود که کارگزاران در نماز صبح، اخبار شب گذشته و در نماز عشاء، اخبار روز را به حاکم منتقل می‌نمودند؛ دیوانی که دارای دو عنصر خبرگیری و سرعت عمل در انتقال خبر به مرکز خلافت می‌بود.

دیوان‌های جدیدی که در زمان عباسیان ایجاد شدند، عبارتند از:

دیوان مصادرات، دیوان مظالم، دیوان زندیقان، دیوان وزیر و یا نخست وزیر(که وظیفه هماهنگی بین دیوان‌های مختلف و به‌ویژه اقتصادی را بر عهده داشت) (همان، ص ۲۳۹-۲۳۸). جملگی این موارد، گویای تکامل نظام دولت و حتی نظریه دولت می‌باشد که در جغرافیای جهان اسلام و در دوران نزدیک به تشریح، در جریان بوده است. اما پیرامون استقرار دولت اسلامی که مبتنی بر اندیشه شیعی و با اغماض به اندیشه‌های منتسب به شیعی می‌باشد، پس از ائمه می‌توان به دولت‌هایی چند اشاره نمود. در این بین لازم به ذکر است، منظور از دولت اسلامی؛ دولت‌هایی می‌باشند که شیعی دوازده امامی بوده و یا با اغماض، منتسب به شیعه می‌باشند؛ همچون «زیدیان»، «صوفیان» و لذا در ادامه به تبیین این دولت‌ها از منظر اقتصادی می‌پردازیم.

دولت ادریسیان (۳۷۵-۱۷۲ق)

سلسله‌ای شیعی مذهب، منسوب به «ادریس بن عبدالله» نواده امام حسن ۷ که از ۱۷۲ تا ۳۷۵ قمری در مغرب اقصی (مراکش و بخشی از الجزایر) حکومت داشتند. ادریسیان که نسب آنها مستقیماً به امام علی ۷ می‌رسد، نخستین دولت شیعی مذهب را پایه‌گذاری کردند (مغنیه، بی‌تا، ص ۲۶ و ۲۸؛ سجادی، ۱۳۶۷، ص ۱؛ ابن الفقیه، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۳)؛ هر چند که قرائن کافی وجود دارد که نه شیعه امامی، بلکه بر مذهب زیدی (صادقی کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۸۴) و یا علوی (الحمیری، ۱۹۸۴م، ص ۴۳۴) می‌باشند. اما با این وجود، این دولت نخستین دولت اسلامی است که در غرب اسلامی، تشیع را در شعارهای رسمی و دولتی و به‌ویژه در سکه‌های خود با آوردن شعار «علی ولی الله» و سایر شعارهای شیعه آشکار نمود (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳). فرمانروایان «آل ادریس» به دو طبقه تقسیم می‌شوند: طبقه نخست، فرمانروایانی که به استقلال فرمان راندند و طبقه دوم حاکمانی که زیر نفوذ فاطمیان و امویان اندلس به حیات خود ادامه دادند. حاکمان آل ادریس توانستند در سرزمین‌های تحت حاکمیت خود رونق اقتصادی و تا حدی اتحاد سیاسی مناسبی ایجاد کنند. یورشهای درازمدت قدرتهای بزرگ اطراف، دلیل اصلی انقراض دولت آل ادریس بود. روزگار آل ادریس که حدود دو قرن بر بخش وسیعی از سرزمین مغرب فرمان راندند، از دیدگاه تحولات اقتصادی هم حائز اهمیت است. در این دوران، شهرهای آبادی؛ چون فاس، الحُجُر، باباقلام و مسیله ساخته شد و مردمی ثروتمند در آنجا پدید آمدند. شهر فاس به یکی از بزرگترین و معتبرترین شهرهای مغرب و بلکه جهان اسلام مبدل گشت و در تاریخ سیاسی این سرزمین نقش عمده‌ای ایفاء کرد. با همه آبادانی و رفاه اقتصادی که جغرافی دانان و مورخان در باب مغرب یاد کرده‌اند، این سرزمین در فاصله میان وفات «یحیی اول» تا قتل «یحیی سوم»، به سبب قحطی و بیماری و زمین‌لرزه هولناکی که رخ داد و خرابی‌های بسیار به بار آورد، دچار نابسامانی‌های اقتصادی فراوان شد و تنها فرمانروایی نیرومند، چون «یحیی چهارم» بود که توانست این خرابی‌ها را ترمیم کند (سجادی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵-۱). از صفات بارز ادریس و رهبر

نخستین دولت شیعی، فهم و استعداد ذاتی و چیرگی بر خوی‌های شهوانی و تمایلات حیوانی‌اش بود؛ او انسانی دادگستر و متوجه به اعمال نیک و پسندیده بود (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱). از ادريس پسرى همانم پدر بود. وی در شهری زندگی می‌کرد که دیگر گنجایش مردمانی جدید را نداشت. لذا دستور ساخت شهری جدید را داد. شهری را که ادريس ساخت، به مهندسان و معماران داد. پس از نقشه‌ریزی شهر جدید، دستور ساخت مساجد، مدارس و بازارها داده شد و ضمن محترم‌شمردن مالکیت شخصی، چنین بیان داشت که «هرکس بنایی ساخت و درختی کاشت به او تعلق خواهد داشت» (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵) و این اتفاقی بود که نقشی اساسی در توسعه شهر فاس ایفاء نمود.

اما اینکه هدف دولت اسلامی ادریسیان چه بود، امری بس دشوار می‌باشد. «ادريس دوم» در سخنرانی در شهر تازه‌ساز فاس و در مسجد جامع شهر، هدف ساختن شهر جدید را چنین بیان داشت که «بار الها تو میدانی... نظرم بندگی تو بود و خواستم اینجا تو را ستایش کند و کتاب مقدس را تلاوت نمایند، شریعت و حدود آن و سنت پیامبرت تا دنیا به پاست، بپای داشته شود» (اسکالی، ۱۳۷۷، ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۵۴؛ مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵). حکومت ادریسیان به دادگری و رفتار نیکو بین مردم توجه ویژه داشتند (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹).

از دیگر اهدافی که توسط دولت ادریسیان پیگیری شد، آبادانی و عمران بلاد بود. نقل شده است که محل خلافت ادریسیان که فاس بود، دارای درختان بسیار بود، نهر آبی دو طرف خیابان جاری و جوی‌هایی از آن جدا کردند که برای بهره‌برداری همگانی مورد استفاده باشد و از آن جوی‌ها در خانه‌ها و گرمابه‌ها و خیابان‌های فرعی و بازارها در جریان بود... (همان، ص ۳۶). در تعریف فضیلت حکمای ادریسی آمده است که وضع زندگی مردم رو به بهبودی نهاد و ملت در آسایش و فراخی بسر بردند... دستور ساختن گرمابه‌ها و مسافرخانه‌ها داد... (بی‌نام، ۱۹۸۶، ص ۱۸۰؛ مغنیه، بی‌تا، ص ۳۹-۴۰).

در دوره ادریسیان، «مغرب الاقصی» که نخستین دوره ثبات سیاسی را از آغاز عصر این سلسله تجربه می‌کرد، شاهد شکوفایی اقتصادی منطقه بود. ادریسیان به کشاورزی

توجه داشتند و موقعیت حاصلخیز و پرآب شهر فاس، موجب رونق کشاورزی در این منطقه شده بود.

فراوانی گندم، پنبه، حبوبات، نیشکر، انگور، زیتون و دیگر محصولات زراعی و باغی از رونق و توسعه یافتن زندگی مردم در دوره ادریسیان حکایت دارد. همچنین وجود و وفور صنایع روغن‌کشی، صابون‌سازی، پارچه‌بافی، رنگرزی، شیشه‌سازی و سه هزار آسیاب (یعقوبی، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، ص ۱۳۵) مؤید این وضعیت است؛ به طوری که پارچه مشهور تلمسانی (ترکیب حریر و پشم) امروزه نیز مشهور است (ابن حوقل، ۱۹۳۸م، ص ۶۲، ۹۱ و ۹۲).

ادریس دوم برای حفظ استقلال اقتصادی و موقعیت بین‌المللی خود، به تأسیس ضربخانه اقدام کرد و در سال ۱۹۸ قمری، نخستین درهم ادریسی ضرب شد که وزن آن معادل نصف دینار مغرب بود. جملگی موارد فوق، گویای تلاش برای عمران و آبادانی و تمایل به استقلال اقتصادی در دولت ادریسیان بود.

دولت علویین در مازندران (۳۱۶-۳۵۰ق)

دولت «علویان طبرستان»، اولین حکومتی است که در شرق جهان اسلام و به دور از تأیید «بنی‌عباس» تشکیل شد (شایسته‌فر، ۱۳۸۱، ش ۱ و ۲، ص ۲۶۱). دولت علویین که توسط «حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن زید بن حسن بن حسن ۷» در سال ۲۵۰ هجری در مازندران قیام کرده و مردم گرد او جمع شدند. علویان، فرزندان و نوادگان امام علی ۷ بودند که در دوره‌های مختلف، به طبرستان روی آوردند.^۹ دلایل روی آوردن سادات علوی به بخش‌های مختلف ایران بسیار است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. امنیتی که در سرزمین ایران بود و آنان به‌طور نسبی دور از دسترس حکومت‌هایی بودند که مراکز آنها در شام یا عراق قرار داشت.

۲. رفاهی که شهرهای ایران می‌توانست برای آنها داشته باشند.

۳. امکان جذب نیرو در ایران از سوی علویان؛ زیرا مردم ایران یک بار به هنگام قیام

«عباسیان»، امتحان خوبی داده بودند و می‌توانستند بار دیگر چنان کنند (شورمیج، ۱۳۸۷، ش ۱۷، ص ۶۳). نحوه حکومت‌داری آنان به گونه‌ای بود که در وهله نخست، بیت المال را ذخیره می‌نمودند و در گام دوم و در ابتدای سال، جمع‌آوری مالیات در ب‌های خزانه اموال عمومی را گشاده و دستور توزیع آنچه که در سال‌های قبل در آن انباشته شده بود را بین قریش، انصار و اهل قرآن و فقهاء و سایر طبقات می‌دادند؛ تا جایی که یک درهم هم باقی نماند (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶). در این حکومت، توزیع بیت المال به نحوی بود که حتی ناشناس‌ها و مخالفین و نوادگان «یزیدبن معاویه» با شناسایی، دریافتی داشته‌اند (همان، ص ۴۷).

دولت علویان را همچون دولت ادریسیان می‌باید، نه دولتی منسجم، بلکه وابسته به شخص دانست؛ به نحوی که بسته به این که چه کسی حاکم می‌بود سیاست‌هایی را اتخاذ می‌نمود. به عنوان مثال، «ابن مسعود» در بیان ویژگی‌های یکی از علویین قیام‌کننده چنین بیان می‌دارد که «او در رفتار خود با مردم از روی عدالت و خوش‌سلوکی عمل می‌کرد و مردی شجاع و جنگ‌جو و نیرومند بود» (شورمیج، ۱۳۸۷، ش ۱۷، ص ۶۹). البته ویژگی شخصی بودن حکومت و به عبارتی وابسته‌بودن رفتار دولت و حکومت به این که چه کسی حاکم است، از ویژگی دولت‌های معاصر است که به مرور زمان متکامل شده است که از آنها تعبیر به دولت مدرن می‌شود (هلد، ۱۳۸۶، ص ۵۹).

دولت آل بویه (۴۴۸-۳۲۱ق)

نخستین دولت مقتدری که توانست وضع «ملوک الطوائفی» ایران را زیر یک پرچم جمع‌آوری کند و روی اساس مذهب شیعه^{۱۰} یک ایران نیرومند پدید آورد، پادشاهان «آل بویه» بودند که در میان آنها «رکن الدوله» و «عضد الدوله» از همه بزرگتر و معروف‌ترند. آغاز حکومت آل بویه به سال ۳۲۱ هجری در شیراز و به حکومت «عماد الدوله» باز می‌گردد. دادگری و ملاحظت وی با اسیران و سعه صدر و بخشش‌های وی عاملی در این پیروزی بود (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۸-۵۷). این پادشاهان نیرومند که مرکزیت بغداد را رسماً تحت الشعاع خود قرار دادند، از فکر و دانش بزرگان و

دانشمندان و نویسندگان شیعه که «صاحب‌بن‌عباد» نامورترین آنها است، کمک می‌گرفتند و از این گذشته از فقهاء و محدثین بزرگ شیعه که «شیخ صدوق» در رأس آنها واقع است، استفاده بسزایی بردند. در این بین، جایگاه شیخ صدوق در حکومت آل بویه گویای نوع طرز فکر حکومت می‌باشد. شیخ صدوق که تحصیلات خود را در قم و بیشتر در خدمت پدرش «علی‌بن‌الحسین» به پایان رسانیده و در همان سن جوانی به مسند تدریس و نشر حدیث نشسته بود، بنا به خواهش رکن الدوله دیلمی که از پادشاهان بزرگ و نیرومند آل بویه است، به «ری» مسافرت و در آنجا اقامت می‌نماید، سپس به «نیشابور» رفته و تا سال ۲۵۲ هجری که هنوز پنجاه سال کمتر داشت، در آنجا اقامت گزید و از نیشابور به «عراق» رفته و در «بغداد» و «کوفه» و شهرهای دیگر چندی مانده و از عراق مراجعت کرده و به سمت «خراسان» و «بخارا» رهسپار شده و تا سال ۲۶۸ هجری در «مشهد» و اطراف آن بسر برده؛ چون اصل مسافرت شیخ صدوق از مرکز اصلی زندگانی خاندانش به نظر رکن الدوله بوده. چنین می‌نماید که این مسافرت‌های طولانی و متعدد در اطراف کشور اسلامی هم روی یک نقشه اساسی صورت گرفته که به نفع مذهب شیعه و دولت طرفدار آن بوده است و شیخ صدوق با این مسافرت‌های طولانی، شالودهٔ مکتب خود را در سراسر کشور اسلامی آن روز پراکنده و پا برجا نموده و مراجعات بسیاری که از خطهٔ پهناور و وسیع مراکز اسلامی به او شده این موضوع را بهتر روشن می‌کند (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱-۲۰). در برهه فوق، تحولات سیاسی فراوانی؛ چه در مرکز خلافت (بغداد) و چه در ایران به وقوع پیوست و قدرت و عظمت عباسیان رو به ضعف نهاد، این ضعف تا بدان جا پیش رفت که جز مرکز خلافت، برای عباسیان چیزی باقی نماند؛ خلافتی که زمانی در ایران و جنوب اروپا و شمال آفریقا گستردگی داشت و فرمانداران آنان در این مناطق خراج و مالیات را جمع‌آوری و به مرکز خلافت، یعنی بغداد می‌فرستادند (خسروی، ۱۳۷۴، ص ۴۶).

نفوذ حکومت آل بویه به حدی بود که در بغداد اختیاردار حکومت عباسی گردیده بودند (همان، ص ۵۳) و تا حدی پیش رفتند که خلیفه عباسی نام «معزالدوله» را بر روی

سکه‌ها ضرب نمود (سجادی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۴۰) و در نماز جمعه نام وی در کنار نام خلیفه برده می‌شد! (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۹) و این اتفاقی مهم بود؛ چرا که ضرب سکه گویای قدرت و استقلال حکومت‌ها در طول تاریخ بوده است (وردی، ۱۳۸۲، ش ۳۸، ص ۲۵۱). حکومت آل بویه دارای سه ویژگی بودند که عبارتند از حسن سیاست و خوش‌رفتاری با مردم، ترویج علم و دانش؛ به گونه‌ای که وزرا و امرای آل بویه از بین فضلاء و دانشمندان بزرگ انتخاب می‌شدند. از جمله صاحب‌بن‌عباد که به وزارت رسید و از علمای برجسته زمان خود بود؛ چنانچه شیخ صدوق کتاب «عیون اخبار الرضا» را به نام او نوشت. ویژگی سوم را بایستی در رواج مکتب تشیع توسط آل بویه دانست (خسروی، ۱۳۷۴، ص ۵۸-۵۳). نمود بارز این امر در تعطیلی ادارات و امور، در روز دهم محرم و همزمان با روز عاشورا بود که این اتفاق برای اولین بار در این دوره اتفاق افتاد و عزای عمومی اعلان می‌شد (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰). البته با وجود تغییراتی که در دین و آیین مردم بوجود آمد، تغییرات خاصی در نظام اقتصادی آن نسبت به زمان خلفا بوجود نیامد و نظام اقطاع و اصول مالیاتی بر اساس سازمان فتوئالی همچنان ادامه داشت (سجادی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۴۱). معزالدوله در سال آخر حکومت خود، اقدام به ساختن بیمارستان و وقف اموالش نمود که گویای نحوه رفتار اقتصادی وی می‌باشد. این دولت توانست راه‌ها را امن نماید. در عین حال، مالیات‌هایی که بر حجاج بسته شده بود، لغو و دستور حفر چاه و احداث قنوات در مسیر حجاج را داد. اما این امر هزینه‌هایی را برای دولت تحمیل نمود؛ به نحوی که در برهه‌هایی از تاریخ با مشکل پرداخت در حقوق سربازان مواجه شد (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵، ۶۱ و ۶۳). در رفتار حاکمان آل بویه می‌توان پرهیز از بیدادگری و بخشندگی و مدارا با مردم را دید. این امر در کنار تقسیم ارزاق عمومی در خانه‌های مردم و نجات آنان از بیچارگی و رفتن به مساجد و تخصیص حقوق به آنها را باید تلاشی برای تأمین اجتماعی افراد دانست (همان، ص ۶۱). از دیگر اقدامات این دولت، ساختن بازار بغداد و کشیدن حصار بر دور شهر بود. اقدامات به این امر محدود نشد، بلکه به سراغ آبادنمودن مساجد ویران و ایجاد مساجد جامع رفت. صاحبان زمین‌ها را به ساختن آنها مجبور

و کسانی که بنیه مالی آن را نداشتند از خزانه دولت وام داد و سپس به تزئین شهر اقدام نمود و بیمارستانی در شهر بغداد تأسیس کرد و بازار ویژه بازرگانان را نیز احداث نمود. برای مسجedian و مؤذنین و قاریان قرآن، حقوقی مشخص و دستور در دسترس قرار گرفتن ارزاق عمومی را صادر و برای غربا و بینوایان آسایشگاه مهیا ساخت. البته این خدمات منحصر در شیعیان نگردید، بلکه اهل ذمه را نیز مشمول شد و دستور ساخت عبادتگاه و سرمایه در اختیار نیازمندان اهل ذمه را داد (همان، ص ۶۴). دولت آل بویه همچنین اقدام به تعمیر سدّ و ساخت منازل آسیب دیدگان از ناامنی‌ها و آتش‌سوزی‌های بغداد از طریق ساختن خانه‌های زیبا نمود و کسانی که توانایی مالی نداشتند را وام می‌داد (سجادی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۴۲)؛ تلاشی که گویای توجه به مقوله عمران و آبادانی، در عین حال ورود دولت به حوزه‌هایی می‌باشد که می‌توان از آن به تأمین اجتماعی و توجه به رفاه عمومی نام برد.

اما در دولت آل بویه رفتارهای متناقض نیز وجود داشت. منبع درآمدهای آل بویه گاه به تعدی بوده به نحوی که وجود ارقام شگفت‌انگیز در دیوان آل بویه، گویای تسلط و مصادره اموال وزراء و امراء و میراث ثروتمندان می‌باشد. این رفتار به نحوی بود که مردم می‌گریختند و یا وصیت‌نامه نمی‌گذاشتند تا مال و اموالشان مشخص نباشد و یا حتی اقدام به فروش مناصب، از جمله وزارت و قاضی‌القضاتی می‌کردند! به نحوی که گاهی دو وزیر در یک منصب می‌گماردند که ناشی از فروش منصب وزارت بود و در دوره‌ای آنچنان مالیات‌های سنگین برقرار بود که مردم به شورش و مخالفت اقدام نمودند و همین درآمدهای کلان، منبع بذل و بخشش‌های حاکم و کارهای عمرانی آل بویه بود (سجادی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۴۱ و ۶۴۳)، اما این رفتار متناقض را می‌باید در نکته‌ای مهم در نحوه حکومت آل بویه دانست و آن وابسته بودن حکومت در آل بویه به شخص حاکم می‌باشد. بدین معنا که حاکمی می‌توانست ستم براند و حاکمی دیگر ترحم نماید (همان، ص ۶۴۲)، اما اتفاقات فوق را باید به عنوان استثناء و بر خلاف روند دولت آل بویه دانست.

دولت فاطمیان (۵۶۷-۲۹۷ق)

حکومت فاطمیان، از مقتدرترین حکومت‌های شیعی^{۱۱} و دارای نظام تدبیر امور تقریباً پیشرفته‌ای در زمان خود است (ذیلابی، ۱۳۸۵، ش ۳، ص ۸۹). فاطمیان که از طریق «اسماعیل» فرزند امام صادق ۷ به حضرت فاطمه ۳ می‌رسند، حکومت خود را در سرزمین گسترده «مصر»، بنیان نهادند و با وجود اوضاع نابسامان، توانستند بیش از دو قرن، حکومت را اداره و تمدن درخشانی را پایه‌گذاری نمایند (صادقی کاشانی، ۱۳۸۹، ش ۴۱ و ۴۲، ص ۹۹). «ناصرخسرو» در تشریح وضعیت مصر در زمان حکومت فاطمیان به آسایش و رفاه و صنایع سرآمد در مصر اشاره می‌نماید (خواجهمیرزا، ۱۳۸۲، ش ۱۴، ص ۱۰۶) و «مقدسی» که در دوران‌شان می‌زیست، اینگونه بیان می‌دارد که:

حکومت از آن فاطمیان است و مردم در امن و داد زندگی می‌کنند؛ زیرا که دولت، نیرومند و ثروتمند است و مردم در گشایش هستند. سیاست مجرا است و مردم در نهان و آشکارا گوش به فرمانند. خطبه جز به‌نام امیر المؤمنین خوانده نمی‌شود (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۳۰۵).

در این دولت، سیاست‌های اقتصادی نیز وجود داشت؛ به نحوی که مالیات بر واردات از ورودی‌های «روم» اخذ می‌شد که از ۲۰ تا ۳۵ درصد کالا را در بر می‌گرفت؛ البته در رفتاری متناقض در برخی مواقع، دولت برای تأمین مالی مخارج خود اقدام به احتکار کالا و در نتیجه گران‌شدن آن و فروش آن به بهای بالا در بازار می‌کرد (خواجهمیرزا، ۱۳۸۲، ش ۱۴، ص ۱۰۹)، اما رفتار مالی دیگری نیز در دولت وجود داشت و آن مالیات بر محصول، به جای اجاره بر زمین بود؛ چرا که زمین‌ها متعلق به دولت بود و دولت بعد از کشت، سهمی از محصول بر می‌داشت و اجاره نمی‌گرفت؛ چرا که در سرزمین «نیل» کشت، بسته به میزان آب نیل داشت (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۳۰۵) که این امر گویای ذکاوت و پیشرفت در مباحث مالی، فارغ از توجه به درآمدهای آن می‌باشد. در عین حال که مالیات‌های سنگین وجود داشته و تولید برخی کالاها ممنوع بوده است (همان).

این توجه و ذکاوت در مباحث مالی و اقتصادی، به نحوی بود که در زمان قیام

سیاست‌های اقتصادی‌ای در پیش گرفتند که با خلفای حاکم در تضاد بود؛ به طوری که مردم، طرفدار آنان شدند، اما با روی کارآمدن و تشکیل حکومت، سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه مالیاتی خلفای گذشته را در پیش گرفتند (چلونگر، ۱۳۸۲، ش ۱۳، ص ۹۴ و ۱۰۰؛ همو، ۱۳۹۰، ش ۳۴، ص ۱۲۵) و حاکم نیز به هر قیمتی که می‌خواست با اموال تجار تعامل می‌نمود (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۳۰۶) که گویای پیگیری نفع شخصی دولتمردان در حکومت فاطمیان می‌باشد. در دولت فاطمیان برای اداره و تعمیر مساجد و دادن حقوق خدام و مؤذن‌ها، هزینه‌های جاری اماکن مذهبی دیگر و حمام‌ها و آب‌انبارها و بیمارستان‌ها اقدام به وقف زمین می‌نمودند (خواجه میرزا، ۱۳۸۲، ش ۱۴، ص ۱۱۱) که این امر نشان‌دهنده میزان پیشرفت دولت فاطمی و حوزه ورود دولت می‌باشد؛ تلاشی که بدون رقابت با دولت عباسی نبوده است که منجر به افزایش مخارج و تلاش برای تأمین آن به طریق مشروع و غیر مشروع که نمونه آن گذشت و حتی از طریق وضع هشتاد نوع مالیات بود (خواجه میرزا، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴-۱۱۳؛ مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۳۰۶) گشت. فارغ از اقدامات فوق، برقراری امنیت اقتصادی و امنیت عمومی را که بلافاصله پس از تصرف شهر برقرار می‌گشت، نباید فراموش کرد (چلونگر، ۱۳۸۲، ش ۱۳، ص ۹۳).

حضور شخصیت‌هایی با تدبیر همچون «صالح عادل» و نیز آزاداندیشی در حوزه دانش و آموزش و مذهب و دین‌باوری از عوامل عمده پیشرفت فاطمیان بود. پیشرفت شگفت‌انگیز مدنی و آثار ادبی، آسایش فراگیر، توسعه فرهنگ دینی و مظاهر عظیم تمدنی، چون «دانشگاه الازهر» و حضور فکری و فیزیکی شیعیان در جشن‌ها و اعیاد اسلامی و احیای مراسم عاشورا، از آثار پربرکت این دولت می‌باشد. از آنجا که منبع مالی دولت فاطمیان به دلیل وجود زمین‌های دولتی، غالباً متکی به نیل بود، لذا اقداماتی را در جهت بهره‌برداری بهینه از نیل انجام داده بودند؛ همچون حفر کانال و آبرگیر، برای جلوگیری از طغیان رودخانه‌ها و افزایش سطح زمین‌های زیر کشت (خواجه میرزا، ۱۳۸۲، ش ۱۴، ص ۱۰۴) و احداث سد.

اما این دولت به رغم قدرت نظامی و سیاسی و توسعه و تثبیت فکری و فرهنگی و تأسیس مؤسسه‌هایی بسان دانشگاه الازهر، از حرکت بازایستاد و بر اثر نفوذ اندیشه‌های

بیگانه، موروثی شدن حکومت، سستی و تنبلی برخی از مدیران در مسیر انحطاط قرار گرفت؛ مسیری که جز به وادی سقوط و خاموشی ابدی ختم نمی شد.

دولت آل حمدان (۳۹۴-۳۱۷ق)

از جمله دولت‌های مشهور شیعه امامی که در مناطق عراق و شام حکومت کردند، دولت «حمدانیان» می‌باشد. البته با وجود شهرت، همه این خاندان حکومت نکردند، بلکه در دستگاه حکومت عباسی دخالت داشتند. این دولت اقدام به تعمیر مقابر ائمه نمود و به نام پنج تن سکه زد (صادقی کاشانی، ۱۳۸۹، ش ۴۱ و ۴۲، ص ۹۱). دولت حمدانی، از شیعیان سابقه‌دار عراق، با خوارج در تضاد و مبارزه بودند و با همین گرایش و با هدف استقلال در بخشی از عراق و شام مبادرت به تأسیس دولت نمودند که ضرب سکه، نمودی از این استقلال است. این دولت، توجه ویژه‌ای نیز به ادب و اهالی فرهنگ و شعر داشت و جلسات متناسب تشکیل می‌داد و در این راه بخشندگی‌های خاص خود را داشت که به کثیر الاحسان معروف شده بود و خود اعتراف می‌نمود که نه با زور شمشیر، بلکه با زور قلم است که حکومت خود را گسترده است (رحیمی، ۱۳۸۲، ش ۳۲ و ۳۳، ص ۱۲۹). حضور «فارابی» در دربار حمدانیان و نماز یکی از حکمای حمدانی بر پیکر فارابی، گواهی بر رویکرد حمدانیان می‌باشد (همان، ص ۱۳۱). مهمترین نقش حمدانیان، حفاظت از مرزهای قلمرو اسلامی در مقابل تهاجم رومی‌ها بود و حمدانیان مهمترین مانع توسعه طلبی رومیان در نواحی مسلمان‌نشین به‌شمار می‌رفتند (سجادی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۹۲). نظام حکومتی و اداری حمدانیان دارای دو امارت مستقل در «موصل» و «حلب» بود. این دو امارت، به‌رغم خاستگاه مشترک و نیز مناسبات سیاسی - اقتصادی و فرهنگی نزدیک، هر یک به‌شيوه‌ای مستقل اداره می‌شدند. امیر حمدانی دارای اختیارات بسیار بود؛ از جمله برگزاری نماز جمعه، اداره امور جنگ، جمع‌آوری مالیات، رسیدگی به مظالم، نظارت بر عیار سکه و نقوش منسوجات. نظام اقتصادی حمدانیان متکی بر اخذ خراج و مالیات، جزیه و مصادره اموال و املاک بود که درآمد هنگفتی به خزانه آنان سرازیر می‌کرد. این ثروت، غالباً معلول بکارگیری

شیوه‌هایی قساوت‌بار بود که نمونه‌های آن به‌کرآت در منابع ذکر شده است؛ به نحوی که برای گرفتن خراج بیشتر، درختان میوه را کنده و به جای آن غلات، پنبه و کنجد کاشتند (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸). با این حال، گفته شده که این سیاست سخت‌گیرانه مالیاتی، معلول نیاز مبرم حمدانیان به پول، برای تأمین مقرری سپاهیان تحت امرشان بوده است. قلمرو حمدانیان به دلیل واقع‌شدن در مسیر راههای تجاری شرق و غرب، حائز اهمیت فراوان بود و رونق تجاری و بازارهای متعدد شهرهایی؛ چون حلب، موصل و رقه، در آثار جغرافی‌دانان مسلمان وصف شده است. در این چرخه تجاری، صادرات کالا؛ اعم از محصولات کشاورزی و نساجی و کالاهای شیشه‌ای، کاغذسازی و غیره اهمیت فراوان داشت و هر یک از شهرها به ساخت یا تولید محصولی خاص شهرت داشتند (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۶۵۲۳)، اما اختلاف داخلی درون‌مذهبی و درون‌خاندانی و جنگ‌های طولانی و استمداد از بیگانگان، مدیران ناشایست و فقدان منشور مدون، دست به دست هم دادند و دولت آل حمدان را برانداختند.

دولت صفوی (۱۱۳۴-۹۰۷ق)

سلسله «صفویه»، پس از سالهای طولانی حکومت بیگانگان بر ایران، توانستند در اوایل قرن دهم قمری با اتکای به مذهب شیعه دوازده امامی یک کشور مستقل شیعه و ایرانی بنیان نهند (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۳۲). مؤسس این سلسله، «شیخ صفی‌الدین اردبیلی» (متوفای ۷۳۵ق) می‌باشد که به نام «صفی‌الدین سلسله صفویه» نام گرفت. ایجاد امنیت در گستره ایران و برچیدن بساط حکومت قبیلگی و ملوک الطوائفی و تشکیل دولت واحد و قوی با اندیشه شیعی، انگیزه اصلی در حکومت صفوی است که «شاه اسماعیل»، «شاه طهماسب» و «شاه عباس» با این هدف و با اشراف علمای بزرگ وقت، در رأس حکومت قرار گرفتند و در انسجام‌بخشیدن به ایران، نقش خوبی ایفاء کردند. احداث سدهای عظیم نیز یادگار این دوره بوده است؛ به نحوی که شاه عباس و شاه اسماعیل، اقدام به احداث سد «قهرود کاشان» و سد «خراقان ساوه» و سد «قمصر»

و بند «فریمان» در خراسان نمودند (بدیعی، ۱۳۵۴، ص ۱۰۸). در این دوران، شاهد پیدایش دولت مرکزی و قدرتمندی هستیم که در دوره شاه عباس اول به اوج خود رسید. در این دوره نیروهای نظامی ویژه‌ای بوجود آمدند که تنها از شاه فرمان و موجب می‌گرفتند (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۳۳). اطعام فقرا نیز از دیگر رسوم شاهان صفوی بود که به طور سنتی از خاندان خود به ارث برده بودند (هینتس، ۱۳۶۲، ص ۹). شاهان صفوی به سنتی دیگر نیز متخلق بودند و آن حق سنتی رعایا در تظلم به شاه بود که وسیله مطمئنی برای مردم در برابر ظلم دیوانیان بود و این امر خود گویای امکان دسترسی به شاه بوده است (سیوری، ۱۳۸۲، ص ۱۷۶-۱۷۵).

عرق خاص معنوی در پیوند مردم با صفویان و قداست فضای حکومت و سیادت آنان و جایگاه خوبی که در میان علما و مردم داشتند و نیز نظارت مستقیم زمامداران در امور کشوری و لشگری و احیای امر به معروف و نهی از منکر و اطاعت‌پذیری مردم از آنها، از عوامل مهم موفقیت و پیشرفت این دولت مقتدر شیعی محسوب می‌شود.

توسعه سریع و شکفت‌آور مذهب و فرهنگ شیعه و باز شدن شاهراه تشیع و استحکام پایه‌های دینی و بنیان‌نهادن تمدنی جدید، اعطای استقلال به ایران و عمران و آبادانی در ابعاد مختلف، از آثار پربرکت حکومت صفوی بوده است. البته در این دوره شاهد تمرکز قدرت در پایتخت صفوی‌ها می‌باشیم؛ به نحوی که مدیریت ایلات و... توسط حکومت مرکزی و بویژه در زمان شاه عباس انجام می‌شده است که این امر، خود گویای وجود نظام دیوانی خاص خود می‌باشد (نویدی، ۱۳۸۶، ص ۷۶-۷۲؛ بوسه، ۱۳۶۷، ص ۹۶-۱۱۲). البته این امر بر اشتغالات شاه می‌افزود؛ به نحوی که می‌توان ادعا نمود که در آن برهه هیچ کشوری وجود نداشت که در آن، وظایف پادشاه، بیشتر از ایران باشد (سیوری، ۱۳۸۲، ص ۱۷۶) و در این دوره تمرکز قوی را در نظام مالی، نظامی و قضایی می‌توان دید (نویدی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹).

از طرفی دیگر، خود پادشاه بر وضعیت بازار به طور نامحسوس نظارت می‌کرده است؛ به نحوی که در یکی از نظارت‌های غیر محسوس از کم‌فروشی مطلع شد که به مکافات خاطیان اقدام نمود (سیوری، ۱۳۸۲، ص ۱۷۶).

سرانجام پس از دو قرن حکومت، افول معنوی و تیرگی رابطه برخی از مردم و دولتمردان با خدا و ترک دو اصل امر به معروف و نهی از منکر و مدهانه و سازش با دشمنان مذهبی، افول تربیت خانوادگی، زن‌سالاری، پیدایش ظلم و ستم، ضعف و مدیریت، رفاه‌زدگی، تن‌پروری و آسایش‌طلبی، پیدایش فاصله‌های طبقاتی و تسلط مجرمان و مخالفت عملی با عالمان دینی و تقلید کورکورانه از ره‌آورد نوین غرب و اروپا، علل و اسباب عمده انحطاط و سقوط تدریجی دولت قدرتمند صفوی را فراهم آورد (نویدی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۷-۷۲؛ نجفی، ۱۳۷۸، ص ۴۳-۴۲). نمونه‌ای از این رفتار را می‌توان در رفتار مصرفی درباریان دید که تقریباً ۱۰ درصد درآمد دولت، صرف حرم و ۱۰ درصد نیز صرف آشپزخانه می‌شده است (نویدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱).

در این برهه، رقابت بر قدرت به قدری جدی بود که شاهزاده‌ای حاکم می‌شد که از حمایت اهل حرم برخوردار بوده و با ریاستش شاهزادگان دیگر را از گردونه رقابت خارج می‌نمود (همان، ص ۱۱۷). در دربار صفوی، شاه، بزرگترین سرمایه‌دار کشور بود و به انباشت سرمایه می‌پرداخت که گاه به ناحق گرفته شده بود (سیوری، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵). این تمایل به درآمدهای بالا سبب شد تا قدرت از شاه صفوی خارج و فشار سنگینی بر مردم در اثر گرفتن مالیات بوجود آید (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۳۷-۳۶).

نتیجه‌گیری

با مطالعه تاریخ تحولات جامعه شیعی، مشخص می‌گردد که شیعیان، همواره به دنبال تشکیل جامعه منسجمی بودند که بتواند آموزه‌های راستین یگانه دین بر حق الهی را در بالاترین سطح اجتماعی پیاده کند و البته همیشه نیز این نوید را از رهبران الهی خویش می‌گرفتند. تشکیل دولت‌های شیعی و نظریه‌پردازی برای دولت را می‌توان در این مسیر شناسایی و تشکیل دولت اسلامی را در بستر تاریخی جست‌وجو نمود. از طرف دیگر، بررسی دولت‌های فوق که در بستر تاریخ و فارق از جنجال مکاتب غربی و شرقی و دولت‌های مدرن اتفاق افتاده است، زوایای بسیاری را از عملکرد و کارایی دولت‌های اسلامی در عرصه اقتصادی نمودار خواهد نمود. اما در این بین، ضعفی اساسی وجود دارد

و آن دشواری‌های تاریخی دستیابی به رویکرد فوق می‌باشد. اما با تمام این اوصاف می‌توان به صورت اجمال بیان داشت که عملکرد اقتصادی دولت‌های اسلامی (دولت‌های شیعی و یا منتسب به شیعی) بیشتر متأثر از شخصیت حاکم بوده و به نوعی شخص‌محور بوده است و این یکی از آفات مهم این دولت‌ها است که حاکی از ضعف در نظام تدبیر و بروکراسی آنها می‌باشد. ثمره عملی این نتیجه‌گیری، در پاسخ به این سؤال، روشن می‌شود که آیا در این دولت‌ها، مالکیت خصوصی محترم است یا نقض می‌شود؟ و یا این که این دولت به دنبال دادگری است یا یغماگری؟ باید گفت بستگی داشت که چه کسی حاکم باشد!

حال فارغ از آسیب فوق، اهداف و کارکردهای دولت‌های اسلامی را که در متن، به آنها پرداخته شد، می‌توان به صورت خلاصه در جدول ذیل یافت. یافته مهمی که جدول ذیل حاکی از آن است، اهمیت توجه به امنیت و تأمین آن می‌باشد که در همه دولت‌های مورد بررسی، نمود داشته است. همچنین می‌توان خصیصه داعیه دادگری در حکومت را اشاره کرد که با شدت و ضعف در این حکومت‌ها پافت می‌شده است. در درجه سوم نیز هدف، عمران و آبادانی بوده که نمود آن در ساخت سدها و حمام‌ها بوده است. در نهایت باید به این نکته اذعان داشت که میزان توجه به اهداف و کارکردهای شمرده‌شده توسط زمامداران در حکومت‌ها منجر به تمیز آنها از یکدیگر گردیده است؛ به گونه‌ای که مردم نیز به این مهم توجه نموده‌اند. از طرف دیگر، عملکرد دولت‌های اسلامی پیش‌گفته درگیر آفتی بزرگ بوده‌اند که قوام حکومت و میزان توجه به این اهداف، قائم به شخص حاکم بوده و در دورانی که این حکومت‌ها از حاکمانی شایسته برخوردار بودند، توجه زیادی به تحقق اهداف فوق داشتند و دولت آنان توأم با امنیت و دادگری و عمران و آبادانی بود و زمانی که گرفتار حاکمانی بی‌خرد و دنیاطلب می‌شدند، این اهداف نیز رو به افول می‌گذاشت و به همین جهت، در نظام اسلامی تأکید شده است که در رأس حکومت باید امام معصوم و یا فقیهی عادل و مدبر باشد و آن را تضمین‌کننده تحقق اهداف عالی نظام دانسته‌اند.

یادداشت‌ها

۱. می‌توان دولت اسلامی را فرآیندی دانست که با انقلاب شروع می‌شود و پس از استقرار آن، فرآیند تکاملی دولت اسلامی به بازتعریف سازمان دولت سابق (نظام‌سازی) و پس از آن تکوین دولت و عملکردهای آن می‌پردازد که همچنان این تکوین ادامه می‌یابد تا جامعه اسلامی را نیز محقق نماید. مقام معظم رهبری این‌گونه این اهداف را تبیین نموده‌اند که «تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود، اما تحقق آنها بسیار طولانی است. قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است، کار آسانی نبود، لیکن این آسان‌ترین است. قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی که گفتیم نظام اسلامی؛ یعنی هندسه عمومی جامعه اسلامی بشود که این هم شد. قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است... این مرحله سوم است. ما الآن در این مرحله قرار گرفته‌ایم» (آیة‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۲۱، در دیدار کارگزاران نظام). همچنین ایشان در بیاناتی در دیدار با دانشجویان کرمانشاه مجدداً بیان داشتند: «...حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است... منظور از دولت، فقط قوه مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده کشور» (همان، ۱۳۹۰/۷/۲۴، در دیدار دانشجویان کرمانشاه). لذا عنوان دولت اسلامی را با اغماض مترادف با استقرار دولت گرفته‌ایم؛ وگرنه هیچ وقت در زمان گذشته و حتی در برهه حاضر، دولت اسلامی مستقر نشده است که اگر شده بود ما نظریه دولت اسلامی داشتیم!

۲. رجوع شود به مصطفی صادقی کاشانی، «دولت‌های شیعه، بررسی‌های گرایش‌ها»، ش ۴۱ و ۴۲، ص ۸۱-۱۲۲.

۳. رجوع شود به نعمت‌الله صفری فروشانی و مجید احمدی کچایی، «بررسی علل تداوم غیبت امام زمان در دوران شکوفایی دولت‌های شیعی»، ش ۲۷، ص ۱۸۹-۱۶۳.

۴. ر.ک: درآمدی بر تحول نظریه دولت در اسلام، نوشته احمد جهان‌بزرگی.

۵. رجوع شود به نگار ذیلایی، «بررسی منابع تاریخ تشکیلات اداری و مالی در دولت فاطمیان»، ش ۳، ص ۸۷-۱۰۴.

۶. رجوع شود به محمود خواجه‌میرزا، «منابع مالی دولت فاطمیان» ش ۱۴، ص ۱۱۸-۱۰۱.

۷. ر.ک: تغییرات اجتماعی-اقتصادی در ایران عصر صفوی، نوشته داریوش نویدی، ترجمه هاشم آقاجری.

قرن پنجم			قرن چهارم			
ابوالصلاح حلبی (۴۴۷)	سید مرتضی (۴۳۶)	ابن سینا (۴۲۸)	شیخ مفید (۴۱۳)	ابن جنید اسکافی (۳۸۱)	ابوالحسن اشعری (۳۳۰)	فارابی (۳۲۹)
قرن هفتم		قرن ششم		قرن پنجم		
سار دلمی (۴۴۸)	ابوالحسن ماوردی (۴۵۰)	شیخ طوسی (۴۶۰)	ابن براج عبدالعزیز حلبی (۴۸۱)	ابن حمزه طوسی (۵۸۵)	ابن ادریس حلبی (۵۹۸)	خواجه نصیرین طوسی (۶۷۲)
قرن هفتم		قرن هشتم		قرن نهم		
(محقق اول) جعفر بن حسن حلی (۶۷۶)	حسن بن یوسف (علامه حلی) (۷۲۶)	(فخر المحققین) محمد بن حسن حلی (۷۷۱)	محمد بن محمد مکی (شهید اول) (۷۸۶)	فاضل مقداد (۸۲۶)	ابن فهد حلبی (۸۴۱)	(محقق ثانی) شیخ کرکی
قرن یازدهم			قرن دهم			
زین الدین (شهید ثانی) (۹۶۶)	حسین بن عبدالصمد (۹۸۴)	شیخ احمد (مقدس اردبیلی) (۹۹۳)	میر محمد باقر داماد (۱۰۴۱)	صدر الدین شیرازی (۱۰۵۰)	محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰)	محقق سبزواری (۱۰۹۰)
قرن یازدهم		قرن دوازدهم		قرن سیزدهم		
فیض کاشانی (۱۰۹۰)	آقا حسین خوانساری (۱۰۹۸)	محمد الحر العاملی (۱۱۰۴)	محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱)	جعفر کاشف الغطا (۱۲۲۸)	ملا احمد نراقی (۱۲۴۵)	محمد حسن جواهر (۱۲۵۸)
قرن سیزدهم			قرن چهاردهم			
سید جعفر کشتی (۱۲۶۶)	شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱)	میرزای شیرازی (۱۳۱۲)	محمد کاظم خراسانی (۱۳۲۹)	محمد کاظم یزدی (۱۳۳۷)	محمد حسین نائینی (۱۳۵۵)	عبدالکریم حائری (۱۳۵۵)
قرن چهاردهم		دوران معاصر				
ابوالحسن اصفه‌ای (۱۲۶۵)	سید حسن مدرس (۱۳۵۸)	ابوالقاسم کاشانی (۱۳۸۱)	محمدحسین کاشف الغطاء (۱۳۷۳)	آقا حسین بروجردی (۱۳۸۱)	مرتضی مطهری (۱۴۰۰)	سید محمد باقر صدر (۱۴۰۲)
دوران معاصر						
سید محمد بهشتی (۱۴۰۲)	روح الله الموسوی الخمينی (۱۴۱۰)	شیخ محمدعلی اراکي (۱۴۱۵)	سید شهاب الدین نجفی (۱۴۱۳)	سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳)	سید محمد رضا گلپایگانی (۱۴۱۴)	سیدعلی حسینی خامنه‌ای
دوران معاصر					دوران معاصر	
					حسین علی و مراجع معظم منتظری تقلید	

جدول فوق برگرفته از کتاب «درآمدی بر تحویل نظریه دولت در اسلام»، اثر احمد جهان‌بزرگی می‌باشد که منحصر در اندیشمندانی شده‌اند که در تطور اندیشه حکومت دینی شیعی و در حوزه اقتصاد نقش داشته‌اند.

۹. البته این دولت هیچ ارتباطی با مذهب علویان ندارد (مهدی پیشوایی، ۱۳۷۰، ص ۴۸).

۱۰. هرچند که در شیعه بودن این دولت، شک و اختلاف نظر وجود دارد؛ به نحوی که عده‌ای این دولت را زیدی دانسته‌اند؛ به طوری که این دولت به تبعید «شیخ مفید» پرداخت، اما عده‌ای این رفتار دولتمردان «آل بویه» را تعبیر به خواباندن فتنه بین شیعه و سنی می‌دانند (مصطفی صادقی کاشانی، «دولت‌های شیعه؛ بررسی گرایش‌ها»، ش ۴۱ و ۴۲، ص ۸۸). لذا شیعه بودن آل بویه، قوی است (ناصر انطیقه‌چی و نعمت‌الله صفری فروشانی، «بررسی روابط دولت‌های شیعی در قرن چهارم هجری»، ش ۳، ص ۱۲).

۱۱. هرچند در شیعه بودن اینان اختلاف است، اما شیعیانی چند حاکم شده‌اند و به ضرب سکه به نام امام دوازدهم همت گمارده‌اند (مصطفی صادقی کاشانی، «دولت‌های شیعه؛ بررسی گرایش‌ها»، ش ۴۱ و ۴۲، ص ۹۹) و دعوت به امام منتظر نموده‌اند (حمیدرضا وردی، «سکه‌شناسی دوره فاطمیان»، ش ۳۸، ص ۲۴۷) که این امر، نمایی از هنجارها و ارزش‌های حاکمان آن زمان می‌باشد. به عبارتی حاکمان، تصاویری که بر سکه‌ها ضرب می‌نمودند، بیانگر ارزش‌هایی می‌باشد که بدان معتقد بودند (همان، ص ۲۲۸) که همان تشیع می‌باشد.

نفع شخصی	امنیت	دادگری	استقلال اقتصادی	برقراری شریعت	عمران و آبادانی	تأمین اجتماعی	
	*	*	*	*	*		ادریسیان
*	*	*				*	علویان
*	*	*	*	*	*	*	آل بویه
*	*				*		فاطمیان
	*	*					حمدانیان
*	*	*	*	*	*	*	صفویان

منابع و مأخذ

۱. ابن الفقیه، احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی، البلدان، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۶ق.
۲. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل النصیبی، صورة الارض، بیروت: دار صادر، ۱۹۳۸م.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله، الشفاء: الیهیات، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۸ق.

۴. اسپوزیتو، جان‌ال، *دائرة المعارف جهان نوین اسلام*، ترجمه حسن طارمی‌راد و دیگران، ج ۳، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۹۱.
۵. اسکالی، فوزی، «فاس؛ شهر مولای ادريس دوم»، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، *مشکوة*، ش ۵۸ و ۵۹، بهار و تابستان ۱۳۷۷.
۶. انطیقه‌چی، ناصر و صفری فروشانی، نعمت اله، «بررسی روابط دولت‌های شیعی در قرن چهارم هجری»، *فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش*، سال هشتم، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۷. بدیعی، ربیع، «نگاهی به تاریخ تحولات اقتصادی ایران» *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۹۱ و ۹۲، پاییز و زمستان ۱۳۵۴.
۸. برزگر، ابراهیم، *تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران*، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۹. بوسه، هریرت، *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق قویونلو و قرا قویونلو و صفوی*، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۰. بی‌نام، *الاستبصار فی عجائب الامصار*، بغداد: دار الشئون الثقافية، ۱۹۸۶م.
۱۱. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، «*تاریخ تشیع*»، قم: سبحان، ۱۳۸۹.
۱۲. پیشوایی، مهدی، «با علویین آشنا شویم»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، ش ۱، سال ۳۱، ۱۳۷۰.
۱۳. جعفری‌نژاد، مسعود و برجیسیان، رسول، «حکومت و فرهنگ رفتاری در فلسفه سیاسی ملاصدرا»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، دوره ۱، ش ۴، ۱۳۸۸.
۱۴. جهان‌بزرگی، احمد، *درآمدی بر تحول نظریه دولت در اسلام*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۵. چلونگر، محمدعلی، «زمینه‌ها و علل اقتصادی گرایش به فاطمیان در آفریقه و مغرب»، *تاریخ اسلام*، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۲.
۱۶. -----، «علل و عوامل ناپایداری حکومت شیعی فاطمیان در مغرب»، *شیعه شناسی*، ش ۳۴، تابستان ۱۳۹۰.
۱۷. حمیری، محمدبن عبدالمنعم، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۴م.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱.
۱۹. -----، دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۲۰. خسروی، محمدعلی، **شیخ صدوق**، تهران: اسوه، ۱۳۷۴.
۲۱. خواجه‌میرزا، محمود، «منابع مالی دولت فاطمیان»، **فصلنامه تاریخ اسلام**، ش ۱۴، ۱۳۸۲.
۲۲. ذیلابی، نگار، «بررسی منابع تاریخ تشکیلات اداری و مالی در دولت فاطمیان»، **پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی**، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
۲۳. رحیمی، عبدالرفیع، «حمدانیان و شایستگی‌های نظامی - فرهنگی سیف الدوله»، **فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)**، ش ۳۲ و ۳۳، ۱۳۸۲.
۲۴. زاهدی، محمصدق، «قلمرو دین در آرای غزالی و ابن سینا»، **پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)**، دوره ۹، ش ۱، پیاپی ۱۷، ۱۳۹۰.
۲۵. سجادی، صادق، **آل ادریس در دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، ج ۱، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۲۶. -----، **آل بویه در دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، ج ۱، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹.
۲۷. سروش محلاتی، محمد، **دین و دولت در اندیشه اسلامی**، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۲۸. سیوری، راجر، **ایران عصر صفوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
۲۹. شایسته‌فر، مهناز، «علل روی آوردن علویان به مازندران»، **تحقیقات اسلامی**، سال چهاردهم، ش ۱ و ۲، ۱۳۸۱.
۳۰. شریعت، فرشاد و نادری باباناری، مهدی، «جدال اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی و نیکولو ماکیاولی»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، دوره ۷، ش ۱(۲۵)، ۱۳۹۰.
۳۱. شورمیچ، محمد، «علل ورود علویان به طبرستان تا تشکیل دولت علوی ۲۵۰ق»، **تاریخ در آینه پژوهش**، ش ۱۷، ۱۳۸۷.
۳۲. صادقی کاشانی، مصطفی، «دولت‌های شیعه؛ بررسی گرایش‌ها»، **فصلنامه تاریخ اسلام**، ش ۴۱ و ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۳۳. صدوق، **خصال**، ترجمه محمدباقر کمرهای، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷.
۳۴. عطارزاده، مجتبی، «دین سیاسی یا سیاست دینی از نگاه امام محمد غزالی»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، ش ۲، ۱۳۸۸.
۳۵. فارابی، ابونصر، **رسالة فی السياسة**، دمشق: حلبونی، ۲۰۰۶م.
۳۶. گالستون، ماریام، **سیاست و فضیلت؛ فلسفه سیاسی فارابی**، ترجمه حاتم قادری، نشر بقعه، ۱۳۸۶.

۳۷. لمبتون، آن.کی.اس، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه محمد مهدی فقیهی، تهران: نشر شفیع، ۱۳۸۵.
۳۸. مغنیه، محمدجواد، دولت‌های شیعه در طول تاریخ، ترجمه محمد بحرینی کاشمیری، ج ۱، قم: شفق، بی تا.
۳۹. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه بی نام، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
۴۰. مهاجرنیا، محسن، اندیشه سیاسی فارابی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۴۱. میرابوالقاسمی، سیده رقیه، دانشنامه جهان اسلام «مدخل حمدانیان»، ج ۱۴، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۹.
۴۲. نجفی، موسی، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی در ایران (دین، دولت، تجدد)، تهران: منیر، ۱۳۷۸.
۴۳. نوروزی، محمدجواد، فلسفه سیاست، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷.
۴۴. نویدی، داریوش، «تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی»، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۴۵. هلد، دیوید، شکل‌گیری دولت مدرن، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۶.
۴۶. هیتس، والتر، تشکیل دولت ملی در ایران (حکومت آق قویونلو و ظهور دولت صفوی)، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲.
۴۷. وردی، حمیدرضا، «سکه‌شناسی دوره فاطمیان»، فصلنامه شناخت، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۲.
۴۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه بی نام، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۶۳۵ شاهنشاهی.

49. www.merriam-webster.com.

50. www.oxforddictionaries.com.